تبیین شاخص های شخصیت طراز انقلاب اسلامی در راستای تقویت نفوذ ناپذیری (از منظر نهج البلاغه)

مهدی مرادیان[1*]

۱- رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دفتر نهاد رهبری.

یافته / دوره نوزدهم / شماره ۳ / ویژه‌نامه پدافند غیر عامل

چکیده

دریافت مقاله: ۹۶/۳/۶ پذیرش مقاله: ۹۶/۵/۱۵

تمام انقلابهایی که در طول تاریخ تحقق پیدا کرده اند دو مرحله سخت را پشت سر گذاشته اند که از اهمیت ویژه ای برخودار می باشد، یکی وقوع اصل انقلاب و دیگری ثبات و استمرار انقلاب در راستای رسیدن به اهداف، می باشد، در بین این دو اصل آنچه دشوارتر و پیچیده تر است حفظ و نگهداری انقلاب است، انقلاب اسلامی ایران مانند دیگر انقلابها از این امر مستثنی نبوده و باید در جهت استمرار و ثبات و تحقق آرمانهایش با جدیت از همه ظرفیتش استفاده کند. از این رو در این نوشتار سعی شده با توجه به عامل اصلی و پیش برنده انقلاب یعنی مردمِ انقلابی، شاخص های مهم افراد طراز انقلاب را در راستای اصل نفوذ ناپذیری، بیان کرده و با تبیین این شاخص ها فرد طراز انقلاب را معرفی کنیم، شخصیتی که باید هم شاخص تدین و هم شاخص اثرگذاری به عنوان خواص جامعه و هم شاخص روحیه ی انقلابی گری و بصیرت را در خود جمع کند و از عوامل و زمینه های برون رفت از دایره شخصیت طراز انقلاب، پرهیز کند. لذا می کوشیم که در قالب معرفی شخصیت طراز انقلاب، به نوعی فرصت ها و تهدیدهای موجود در عرصه جامعه اسلامی را شناخته و معرفی کنیم، خطراتی که گاها ممکن است از جنس و دل همین مردم به ظاهر انقلابی ظهور و بروز می کند، از آنجایی که حکومت زمان حضرت علی علیه السلام درسها و عبرتهایی در خور تامل و نزدیک به انقلاب ما دارد، در سددیم که از منظر حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، به تبیین نشانه ها و علائمی که باید یک شخصیت انقلابی داشته باشد، پرداخته و عیار و طرازی که ترسیم کننده این شخصیت است مطرح شود، چرا که عده ای هر چند ممکن است هم دیندار بوده و هم از خواص باشند اما انقلابی نباشند.

واژه‌های کلیدی: شاخص، شخصیت، طراز، انقلاب و انقلابی، نفوذ، نهج البلاغه، خواص، بصیرت.

*آدرس مکاتبه: خرم آباد، دفتر نهاد رهبری، دانشگاه علوم پزشکی لرستان.

پست الکترونیک: Mehdi_moradian58@yahoo.com

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

مقدمه

تشکیل انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام فرزانه (رحمۀ الله علیه) و استمرار آن به پرچم داری مقام عظمای ولایت امام خامنه ای (مد ظله العالی) و عزم راسخ امت بزرگ ایران و وحدت و انسی که بین ولایت و امت بوده و هست، تحقق یافت و مسیر خود را برای رسیدن به آرمانهای بلندش با تمام سرعت طی می کند، البته این قطار پر شتاب انقلاب در مسیر حرکتش با موانع بسیاری روبرو بوده و خواهد بود و دشمنان انقلاب با تمام قوا در سدد نفوذ و متوقف کردن آن هستند.

آنچه اکنون (دوران پس از انقلاب) از اهمیت خاص برخوردار است و باید به دقت و با حساسیت مورد توجه قرار گیرد این است که چه باید کرد که این انقلاب با وجود همه ی مشکلات و موانع پیش رویش بتواند همچنان مسیر خود را تا رسیدن به سر منزل مقصود که همان تحقق حکومت اسلامیو رسیدن به انقلاب جهانی امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) می باشد، ادامه داده و بر موانع چیره شود؟

مهمترین عواملی که در راستای تحقق آرمان فوق از اساسی ترین ابزار و شاخص ها شمرده می شوند «وجود رهبری شایسته و با تدبیر» و «امتی با انگیزه و آرمان خواه» و «وحدت بین امت و امام» است که البته این وحدت هم باید در بین خود اقشار امت بوده و هم اینکه این امتِ متحد، باید با رهبرشان پیوند قلبی برقرار کرده باشند و گوش به فرمان و مطیع رهبری باشند، لذا تحقق این سه رکن پیش برنده انقلاب، نیازمند داشتن نگاه انقلابی امت و امام است، چرا که تا زمانی رهبر و مردمِ یک انقلاب بر آرمانهای انقلابی خود استوار بوده و به دست فراموشی سپرده نشود، انقلاب حرکت خود را خواهد داشت اما وقتی این آرمانها (چه از جانب امت و چه از جانب رهبر و مسئولین جامعه) به فراموشی سپرده شود، مقدمات سقوط آن انقلاب یا تبدیل ناخودآگاه به انقلابی دیگر، برای اهل تدبیر ملموس و قابل مشاهده است.

شاخص های شخصیت طراز انقلاب

اسلام و قوانین آن به عنوان یک مجموعه کامل و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله و امامان معصوم علیهم السلام بعنوان یک انسان کامل و رهبرانی تمام عیار می توانند نقش اساسی و الگویی درخشان در پیشبرد اهداف انقلابیون قرار بگیرند رهبرانی که با تاسی از رفتار و گفتارشان می توان چهارچوب مشخص و تعریف شده ای را پیش روی مردمی نهاد که در سدد پیش برد آرمانهای انقلاب خود هستند.

از این رو باید دید که در یک جامعه آرمانی، مردم باید دارای چه ویژگی هایی باشند تا گرفتار رهزنان و فتنه گران و دشمنان انقلاب نشوند و در صورت رخداد این گرفتاریها بتوانند به سلامت از آن عبور کنند؟ به عبارت دیگر الگو و راهبردی که رهبران الهی (در این نوشتار معیار حضرت علی علیه السلام است) در راستای پیشبرد آرمانهای حکومت اسلامی ترسیم نموده اند چیست؟ راهبری که به پشتوانه آن می توان حکومت دینی را به اهدافش رساند.

برای رسیدن جواب مناسبی در راستای مطلب فوق، می توان مردم هر زمانه را حداقل در سه مرحله یا گروه، تصور کرد و یا به عبارتی مردم در صورتی که دارای سه شاخص و ویژگی باشند می توانند به سلامت از موانع پیش روی انقلاب عبور کرده و از تحیر و سردرگمی زمان فتنه نجات یافته و حق را دریابند، البته به هر میزانی که این سه شرط در یک فرد کاملتر باشد عیار انقلابی گری او کاملتر است:

شاخص اول اینکه شخصیتی باشد پایبند به اسلام، یعنی علاوه بر اینکه مسلمان است باید «دیندار» هم باشد، یعنی پایبند به شعائر و ظواهر اسلام بوده و در گام بعدی

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

معتقد به اصول دین و مقید به انجام واجبات و ترک محرمات باشد.

تاریخ مملو است از افرادی که صرفا دارای این شاخص بوده و از دیگر شاخص های شخصیت طراز انقلاب، بهره مند نبوده اند و عیاری در انقلابی گری نداشته اند و اگر بگوییم مضر نبوده اند نمی توان گفت فایده ای برای انقلاب داشته اند. از باب نمونه به دو تفکر رهبانیت و حجتیه می‌توان اشاره کرد.

شاخص دوم اینکه از «خواص» جامعه باشد یعنی یک شخصیت اثر گذار باشد که علاوه بر تدین و توجه به دستورات الهی و رشد معنوی، صاحب نفوذ و اثر گذار بر قشر عامه ی مردم و دیگر جوانان باشد.

در یک تعریف جامعتر خواص کسانی هستند که از نخبگانِ سیاسی و اجتماعی بوده و مرجع عوام هستند و دارای نفوذ و پایگاه اجتماعی می باشند. آنان را در همه اقشار می توان یافت، اعم از علمای دینی، تحصیل کرده های دانشگاهی، بازاریان، صنعتگران، کارمندان، کشاورزان، و صاحبان مشاغل و حرفه های خرد و کلان و حتی افراد بی سواد، لذا اینگونه افراد در سطح جامعه اثر گذار بوده و علاوه بر توجه به امور معنوی و شخصی (که شرط اول بود)، توجه به مسائل پیرامون داشته و در عرصه اجتماع حضوری فعال دارند، پس ملاک اصلی در این شاخص اثر گذاری و تاثیری است که خواص بر عامه مردم دارند و نیازی نیست که حتما صاحب پست و مقام و رتبه علمی خاصی باشند لذا ممکن است کسی دارای موقعیت خاص اجتماعی نباشد یا دارای مدرک معتبر علمی نباشد اما از خواص باشد یا برعکس ممکن است کسی این جایگاهها و موقعیتها را داشته باشد مثلا روحانی باشد یا از اعضای هیئت علمی باشد اما از طیف عامه مردم محسوب شود چرا که اثرگذاری چندانی ندارد و در مقابل حوادث و وقایع پیرامون هیچ گونه عکس العملی از خود نشان نمی دهد.

نکته

خواص در یک تقسیم بندی به سه گروه تقسیم می شوند، گروه اول کسانی هستند که در جبهه نظام و انقلاب بوده و مدافع و سینه چاک ولایت و انقلابند (فعلا به این طیف نمی پردازیم چرا که این خواص دو شاخص بعدی را باید دارا باشند) گروه دوم خواصی هستند که روحیه ی انقلابی نداشته و خطری هم برای انقلاب ندارند و به عبارت دیگر هر چند ممکن است مخالف انقلاب هم باشند اما ضد انقلاب نیستند و اهل تخریب و فتنه انگیزی نبوده و مطیع جریان انقلابند (این افراد بیشتر از طیف دوم هستند که اشاره شد کسانی هستند که صرفا جایگاه اجتماعی مناسبی دارند و صاحب قدرت تحلیل نیستند، آنها بیشتر به فکر گروه و طایفه و قوم خود بوده و با هر انقلابی سازش می کنند) اما گروه سوم از خواص کسانی هستند که هر چند ممکن است متدین بوده و نماز و روزه آنان به راه باشد اما چون فلسفه انقلاب و اهداف آن را نفهمیدند و قبول ندارند، نه انقلاب را می پذیرند و نه می توانند نسبت به آن بی تفاوت باشند و لذا تلاش می کنند بر علیه نظام اقداماتی انجام دهند و در لیست اپوزیسیونهای ضد انقلاب قرار می گیرند(این گروه از خواص بیشتر از طیف دوم بوده یعنی کسانی که صاحب قدرت تحلیل هستند و به همین علت طرفداران زیادی دارند و با ایجاد تردید و شک و بدبینی به نظام بر علیه نظام اقداماتی را انجام می دهند و مردم را به کوچه و خیابان می کشانند)

مولای متقیان امیر المومنین علیه السلام در وصف اینگونه خواصِ بی بصیرت و به ظاهر نخبه، چنین می فرمایند:

«دیگران او را دانشمند نامند امّا از دانش بی‌بهره است، یک دسته از نادانی‌ها را از جمعی نادان فرا گرفته، و مطالب گمراه کننده را از گمراهان آموخته، و به هم بافته، و دام‌هایی از طناب‌های غرور و گفته‌های دروغین بر سر

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

راه مردم افکنده، قرآن را بـر امیـال و خواسـته‌هـای خـود تطبیق می‌دهد، و حق را به هوس‌های خود تفسیر می‌کند. مردم را از گناهان بزرگ ایمن می‌سازد، و جـرائم بـزرگ را سبک جلوه می‌دهد.ادّعا می‌کند از ارتکاب شـبهات پرهیـز دارد امّا در آنها غوطه می‌خورد. می‌گوید: از بدعت‌ها دورم، ولی در آنها غرق شده است. چهره ظاهر او چهره انسـان، و قلبش قلب حیوان درنده است، راه هدایت را نمـی‌شناسـد که از آن سو برود، و راه خطا و باطل را نمی‌داند کـه از آن بپرهیزد، پس مرده‌ای است در میان زندگان» (۱).

مقام معظم رهبری در بیاناتشان در دیـدار فرمانـدهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) به ایـن طیـف اشـاره مـی کنند و خواص را اینگونه معرفی می کنند:

«خواص یعنی کسانی که وقتی عملی انجـام میدهنـد، موضعگیری میکنند و راهی کـه انتخـاب میکننـد، از روی فکر و تحلیل است. میفهمنـد و تصـمیم میگیرنـد و عمـل میکنند. اینها خواصند. نقطه‌ی مقـابلش هـم عـوام اسـت. عوام یعنی کسانی که وقتی جوّ به سمتی میرود، آنهـا هـم دنبالش میروند و تحلیلی ندارند» (۲).

شاخص سوم اینکه علاوه بر دو محـور تـدین و خـاص بودن، باید «انقلابی» باشد، به این معنا کـه اصـل انقـلاب، شـعائر و آرمانهـای آن را قبـول داشـته باشـد و دارای ویژگیهای یک شخص انقلابی باشد، چرا که برخی هسـتند که هم متدین هستند و هـم از خـواص جامعـه و صـاحب نفوذ اما انقلابی نیستند و مشی و گفتارشان تناسبی با یک شخصیت طراز انقلاب ندارد.

تاریخ زمان حضرت علی علیه السلام پر است از کسانی که دو شاخص اول را دارا بودند اما شاخص سوم آنهـا را از جلگه افراد انقلابی و ولایی جدا کرد، از جمله خواصیکه در دوران حکومت امام علی علیـه السـلام ، ولایـت ایشـان را نپذیرفته و حتی به دشمنی با ایشان پرداختند می توان به ابوموسی اشعری (۳)، اشعث بن قیس کندی (۶-۴)، جریر بن عبدالله بجلی (۷)، حرقـوص بـن زهیـر (۸) و ... اشـاره کرد، اینها و بسـیاری دیگـر (از جملـه خـوارج) از کسـانی بودند که پیشانیهای آنان از فرط عبادت پینه بسـته بـود و اهل عبادت و به ظاهر متدین بودند، همچنـین در جریـان انقلاب اسلامی خودمان چقدر افراد و گروههای زیادی کـه بنام اسلام و انقلاب قیام کردند اما از مسیر انقـلاب خـارج شدند از جمله می توان به سران جبهه ملی و گروهک‌های منافقین و دیگر گروه‌هایی چون چریک‌هـای فـدائی خلـق اشاره کرد.

نمونه هـای فـوق گرچـه بـه ظـاهر متـدین بـوده و از شخصیتهای برجسته زمان خود به حساب مـی آمدنـد امـا نتوانستند تا آخر انقلابی بمانند.

در نتیجه شاخص تدین و شاخص خواص، هـیچ کـدام به تنهایی و حتی با هم نمی توانند شخصیت تمام عیارِ در طراز انقلاب را به جامعه معرفی کنند لذا باید شاخص سوم (نگاه و مشی انقلابی) حتما مورد توجه قرار گیرد.

پس از نظر نگارنده کسی می تواند «میزان عیـارش در حد شخصیت طراز انقلاب» باشد کـه متـدین و انقلابـی و شخصیتی تاثیر گـذار و صـاحب نفـوذ بـوده و بعبـارتی از خواص جامعه باشد.

نکته

اول اینکه شکی نیست که حتما سه ویژگی بیان شـده بایـد در یـک شخصـیت طـراز انقلابـی باشـد و معتقـدیم هرکدام مکمل دیگری می باشند و نبود هر یک آنها باعـث وجود افراط و تفریط هایی می شـود کـه خسـران آفـرین است، ولی معتقد نیستیم که شرایط یک شخصیت انقلابی منحصر در این سه مورد فوق بوده و امکان اضـافه نمـودن شرط دیگری نیست اما آنچه را که نگارنـده بـا تفحـص در متون و بیانات بزرگان به آن رسیده، سه رکن اساسی برای شخص انقلابی همـان تـدین و از خـواص بـودن و نگـاه و مشی انقلابی گری مد نظر قرار گرفته است.

دوم اینکه نگارنده معتقد است که یک وجـه مشـترک بین تمام این شاخص ها وجود دارد و آن اینکه همـه ایـن

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

شاخص ها خود ذو مراتب بوده و افراد در رتبه بندی و میزان انقلابی بودنشان مراتب متفاوتی دارند شخصی ممکن است در اوج انقلابی گری و بسیار اثر گذار بوده باشد (مانند مقام معظم رهبری) و شخص دیگری در مرتبه ای با اثر کمتر و مرتبه ای پایین تر قرار بگیرد.

تبیین نشانه‌ها و علائم شخصیت انقلابی (ذیل شاخص سوم)

بیان داشتیم که علاوه بر دو شاخص تدین و خواص، عامل مهم و اساسی سوم که عیار یک شخصیت انقلابی را کامل می کند، تفکر و مشی انقلابی است و از آنجایی که در این نوشتار نمیتوان به ابعاد مختلف هر سه شاخص پرداخت و اینکه شاخص سوم از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار استف لذا ذیل همین شاخص سوم به صورت اجمال، به برخی از نشانه ها و علائم فرد انقلابی و سپس نشانه ها و علائم فرد غیر انقلابیرا از منظر مولای متقیان امیر مومنان علی علیه السلام در نهج البلاغه، مطرح خواهیم کرد.

۱- ولایت مداری

همانگونه که خطرناکترین عامل خروج افراد از دایره انقلاب فتنه است، در مقابلش بهترین و امن ترین راهکاری که ما را از افتادن در فتنه و یا خروج از آن، نجات میدهد توجه به مکتب اهل البیت و مسیری است که امروزه در غیبت ولی زمان حضرت حجت عج ، توسط نایب برحقش ترسیم شده است، گوش به فرمان ولی بودن از اساسی ترین شیوه هایی است که در کلام امیر علیه السلام به آن اشاره شده است حضرت در این مورد میفرماید:

«أَیُّهَا النَّاسُ شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفُنِ النَّجَاةِ وَ عَرِّجُوا عَنْ طَرِیقِ الْمُنَافَرَةِ»

(ای مردم، امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات درهم بشکنید، و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید).

مراد از کشتی های نجات همان اهل البیت علیهم السلام می باشند چرا که تبعیت از ولایت موجب روشنگری مردم شده و در نهایت موجب وحدت بین مردم شده و فتنه ها را از بین می برد.

حضرت در فراز دیگری از سخنانشان ضمن اشاره به سختی ها و ناملایماتی که در هنگام فتنه رخ می دهد، تاکید به اطاعت از ولایت دارند و می فرمایند:

«عِنْدَ ذَلِکَ ... فَإِنْ أَطَعْتُمُونِی فَإِنِّی حَامِلُکُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَی سَبِیلِ الْجَنَّةِ»

در پیدایش فتنه‌ها ... اگر از من پیروی کنید، به خواست خدا شما را به راه بهشت خواهم برد، هر چند سخت و دشوار و پر از تلخی‌ها باشد .

حضرت در بخشهای مختلفی از نهج البلاغه اشاره می کنند که یکی از دلائل پیروزی جبهه باطل، تبعیت آنان از رهبرانشان و در مقابل شکست جبهه حق عدم این تبعیت بوده است.

شرط اساسی در ولایتمداری، ایستادگی تا پای جان و تا آخر مسیر است، چه بسیار کسانی که در وسط راه و هنگام هجوم سختی ها و ناملایمات، ولی خود را تنها گذاشته و مسیرشان را عوض کردند، اینان کسانی هستند که تا زمانی با ولی خدا همراهند که برای آنها سود و منفعت مادی به دنبال داشته باشد.

۲- بصیرت

بصر غیر از بصیرت است. بصر چشم است. قوه‌ی باصره. جمعش ابصار است. بصیرت جمعش بصائر است.بصیرت در لغت عرب به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی، عبرت آمده است» (۹،۱۰) بصیرت در اصطلاح و در یک تعریف جامع و مختصر یعنی «شناخت حق از باطل» و این محقق نمی شود مگر با مشاهده درست و دقیق حوادث و تفکر و تدبر در آنها، امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) میفرماید: «فانّما البصیر من سمع فتفکّر و نظر فأبصر» بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید،

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

بیندیشد. هر شنیده‌ای را نمیشود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید.

رهبر فرزانه انقلاب در توضیح دقیق بصیرت می فرماید : «بصیرت را در دو سطح میتوانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا میکند. ... بجز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود... این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او میگذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا میکند، تدبر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم اللّه امرء تفکّر فاعتبر»؛فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبر مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبر کردن، در انسان بصیرت ایجاد میکند...»

این نگاه و تدبر در امور برای یک شخصیت انقلابیِ اثرگذار از ضرویات است چرا که در بسیاری از امور باید تصمیم بگیرد و انتخاب کند و لازمه ی تصمیم و انتخاب درست لزوم بصیرت و آگاهی است، حضرت علی علیه السلام یاران بابصیرت و شجاع خود را عامل موفقت و پیروزی دانسته و در تمجید آنان چنین می فرمایند:

«أَنْتُمُ الْأَنْصَارُ عَلَى الْحَقِّ وَ الْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ وَ الْجُنَنُ يَوْمَ الْبَأْسِ وَ الْبِطَانَةُ دُونَ النَّاسِ بِكُمْ أَضْرِبُ الْمُدْبِرَ وَ أُرْجُو طَاعَةَ الْمُقْبِلِ فَأَعِينُونِي بِمُنَاصَحَةٍ خَلِيَّةٍ مِنَ الْغِشِّ سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ».

(شما یاران حق و برادران دینی من می‌باشید، در روز جنگ چون سپر محافظ دور کننده ضربت‌ها، و در خلوت‌ها محرم اسرار منید، با کمک شما پشت کنندگان به حق را می‌کوبم و به راه می‌آورم، و فرمانبرداری استقبال کنندگان را امیدوارم، پس مرا، با خیر خواهی خالصانه، و سالم از هر گونه شک و تردید، یاری کنید.به خدا سوگند! من به مردم از خودشان سزاوارترم)

اگر بخواهیم نگاهی جریان شناختی هم به بحث بصیرت داشته باشیم باید،زمینه های آن را در بیانات مقام معظم رهبری در مورد عوام و خواص ملاحظه نمود.خواص اگر اهل بصیرت بوده ،به موقع از حق حمایت می کردند . حادثه تلخ صورت نمی گرفت.

مقام معظم رهبری ابتدا از خواص انتظاراتی داشتند،که فراهم نشد، لذا ایشان عوام و خواص را برهم زدند و فرمودند ملاک بصیرت است معیار بصیرت است ونکاتی را به کرات در بحث بصیرت مورد توجه قرار دادند از جمله بحث «علم اندوزی همراه با ایمان و تقوی» «هویت ملی و اسلامی ما در دانش و پژوهش است» (۱۱) بحث مهم «دشمن شناسی» که این دشمن کیست و در پی چه اهدافی است ...

در نتیجه داشتن بصیرت دینی و سیاسی و اندیشه و شناخت درست، یکی دیگر از نشانه های یک شخصیت طراز انقلاب می باشد.

۳- اهل وحدت و پرهیز از تفرقه افکنی

از نشانه های فرد انقلابی این است که اهل وحدت در بین مردم بوده و دیگران را به آن دعوت می کنند و به شدت از تفرقه افکنی پرهیز می کنند، حضرت علی علیه السلام در مذمت اهل کوفه می فرماید:

«أَنْبِئْتُ بُسْراً قَدِ اطَّلَعَ الْيَمَنَ وَ إِنِّي وَ اللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدَالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ»(شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد. زیراآنها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند، و شما در دفاع از حق متفرّقید)

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

همچنین در ذی الحجّه سال ۲۳ هجری پس از قتل عمر، در روز شورا آن هنگام که مردم به ناحق، برای بیعت کردن با عثمان جمع شدند برای جلوگیری از تفرقه بین مسلمانان، فرمود:

«لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّی أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَیْرِی وَ وَ اللَّهِ لَأُسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِینَ وَ لَمْ یَکُنْ فِیهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَیَّ»(همانا می‌دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. سوگند به خدا! به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمین رو براه باشد، و از هم نپاشد، و جز من به دیگری ستم نشود)

یک شخصیت با بصیرت و آرمانگرا، توجه دارد که رکن اساسی و پیش برنده نظام وحدت بین مردم و مسئولین است و اینکه مردم یکدل و هم صدا باشند و ولی و رهبر خود را با اتحادی که دارند، یاری کنند، درک این واقعیت که عامل اصلی شکست انقلابها، وجود تفرقه بوده حداقل انتظاری است که از یک شخصیت طراز انقلاب می توان داشت.

۴- دشمن شناس

دشمن شناسی از مهمترین پایه های حفظ انقلاب است و البته بصیرت نیاز دارد که اشاراتی شد، لذا لازمه ی یک شخصیت طراز انقلاب دشمن شناسی است البته در عین شناخت دشمن طبیعتا دوست را هم باید شناخت که نکند کسانی به اشتباه دوست قلمداد شوند اما در واقع گرگ در لباس میش باشند.

حضرت امیر علیه السلام به زیبایی تبیین می فرمایند که لازمه شناخت درست هر چیزی شناخت ضد آن است و لازمه شناخت دشمن شناخت ویژگیهای دوست و لازمه شناخت حق شناخت باطل است، و لذا میفرمایند:

«وَ اعْلَمُوا أَنَّکُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّی تَعْرِفُوا الَّذِی‌تَرَکَهُ وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِیثَاقِ الْکِتَابِ حَتَّی تَعْرِفُوا الَّذِی نَقَضَهُ وَ لَنْ تَمَسَّکُوا بِهِ حَتَّی تَعْرِفُوا الَّذِی نَبَذَهُ فَالْتَمِسُوا ذَلِکَ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ»(بدانید که هیچ گاه حق را نخواهید شناخت جز آن که ترک کننده آن را بشناسید! هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر آن که پیمان شکنان را بشناسید، و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن که رها کننده آن را شناسایی کنید. پس رستگاری را از اهل آن جستجو کنید)

پس خلط نکرن بین دوست و دشمن یک اصل است دشمن در سدد نفوذ است و تلاش میکند که زمینه فتنه و تردید را در بین انقلابیون ایجاد کند و تا زمانی ه انقلاب اسلامی را متوقف نکند دست بر نخواهد داشت و البته از راههای مختلفی هم ورود میکند مثلا تلاش می کند کشور را از حیث اقتصادی، علمی و فرهنگی، عقب نگه دارد و همچنین می کوشد که با فتنه انگیزی وحدت ملی را برهم زند و تبدیل به تفرقه کند، چرا که دشمن دشمن است و خوی استکباریش اقتضا می کند که دشمنی کند، در نتیجه نیاز اساسی یک شخصیت انقلابی شناخت دوست از دشمن و ترفندهای آن می باشد.

۵- پرهیز از کارهای شعارگونه=توصیه به عملگرایی

حضرت خطاب به افرادی که در سخن وری و خطابه همیشه در خط اول بوده اما هنگام عمل در گوشه ی خانه باید سراغشان را گرفت، چنین می فرمایند:

«تَقُولُونَ فِی الْمَجَالِسِ کَیْتَ وَ کَیْتَ فَإِذَا جَاءَ الْقِتَالُ قُلْتُمْ حِیدِی حَیَادِ مَا عَزَّتْ دَعْوَةُ مَنْ دَعَاکُمْ وَ لَا اسْتَرَاحَ قَلْبُ مَنْ قَاسَاکُمْ»

در خانه هایتان که نشسته اید، ادّعاها و شعارهای تند سر می دهید، امّا در روز نبرد، می گویید ای جنگ، از ما دور شو، و فرار می کنید. آن کس که از شما یاری خواهد، ذلیل و خوار است، و قلب رها کننده شما آسایش ندارد.

نیز فرمودند: «کُنْتُ أَخْفَضَهُمْ صَوْتاً وَ أَعْلَاهُمْ فَوْتاً» در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته‌تر بود امّا در عمل برتر و پیشتاز بودم.

در فرازی دیگر می فرماید:

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

و«وَ قَدْ أَرْعَدُوا وَ أَبْرَقُوا وَ مَعَ هَـذَيْنِ الْـأَمْرَيْنِ الْفَشَـلُ وَ لَسْنَا نُرْعِدُ حَتَّى نُوقِعَ وَ لَا نُسِيلُ حَتَّى نُمْطِرَ».

چون رعـد خروشـیدند و چـون بـرق درخشـیدند، امـا کاری از پیش نبردند و سر انجام سست گردیدند! ولـی مـا این گونه نیستیم، تا عمل نکنیم، رعد و برقی نـداریم، و تـا نباریم سیل جاری نمی‌سازیم.

البته نکته مهمی کـه عـلاوه بـر عملگرایـی نیـاز یـک شخص انقلابی است عمل و اقدام به موقع اسـت چـرا کـه اقدام عجولانه یا با تاخیر نتیجه بخش نبـوده و اثـرش را از دست می دهد، حضرت این ویژگی را در مردم کوفه ندیـد و خطاب به آنها فرمودند:

«تَرْضَوْنَ فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَـرِّ قُلْـتُمْ هَذِهِ حَمَارَّةُ الْقَـيْظِ أَمْهِلْنَـا يُسَـبَّخْ عَنَّـا الْحَـرُّ وَ إِذَا أَمَـرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ هَذِهِ صَبَارَّةُ الْقُرِّ أَمْهِلْنَا يَنْسَـلِخْ عَنَّا الْبَرْدُ كُلُّ هَذَا فِرَاراً مِنَ الْحَرِّ وَ الْقُرِّ فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَ الْقُـرِّ تَفِـرُّونَ فَـأَنْتُمْ وَ اللَّـهِ مِـنَ السَّـيْفِ أَفَـرّ» وقتی در تابستان فرمان حرکت به سوی دشمن می دهـم، می گویید هوا گرم است، مهلت ده تا سوز گرمـا بگـذرد، و آنگاه که در زمستان فرمان جنگ می دهم، می گویید هـوا خیلی سرد است بگذار سرما برود. همه این بهانه هـا بـرای فرار از سرما و گرما بود وقتی شما از گرما و سرما فرار مـی کنید، به خدا سوگند که از شمشیر بیشتر گریزانید.

در نتیجه شخصیت انقلابی هم بیشتر در میدان عمـل و کارزار بوده و کمتر سخن می گوید، و هم به موقع اقـدام می کند، ایـن چنـین شخصـیتی در عـین منفعـت کثیـر، هزینه بسیار کمی برای انقلاب دارد، از جملـه نمونـه بـارز انسانهای اهل عمل شهدای عزیـز انقـلاب اسـلامی را مـی توان نام برد.

۶- پرهیز از کارهای جناحی

ذیل ویژگی فوق شاید بتوان ایـن توصـیه حضـرت بـه اصحابش را بیان کرد که می فرمایند:

«الْيَمِينُ وَ الشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ عَلَيْهَا بَاقِي الْكِتَابِ وَ آثَارُ النُّبُوَّةِ وَ مِنْهَا مَنْفَذُ السُّـنَّةِ وَ إِلَيْهَـا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ»(چپ و راسـت گمراهـی، و راه میانـه، جـادّه مستقیم الهی است که قرآن و آثـار نبـوّت، آن را سـفارش می‌کند و گذرگاه سنّت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سـلّم است و سرانجام، بازگشت همه بدان سو می‌باشد).

جاده مسـتقیم همـان مسـیر افـل البیـت و پیـروی از ولایت است نـه پیـروی از جنـاح و قبیلـه و قـوم خـویش، جناحی که برای برخی محور و اسـاس تصـمیمها و باورهـا قرار گرفته و بر معیار آن خوبی و بدی و ارزشـها را مطـرح می کنند.

همچنـین در مـذمت نگـاه قبیلـه ای و قـومی چنـین می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَعَاجِمَ إِنْ يَنْظُرُوا إِلَيْـكَ غَـداً يَقُولُـوا هَـذَا أَصْـلُ الْعَرَبِ فَإِذَا اقْتَطَعْتُمُوهُ اسْتَرَحْتُمْ فَيَكُونُ ذَلِكَ أَشَـدَّ لِكَلَـبِهِمْ عَلَيْكَ وَ طَمَعِهِمْ فِيكَ».

همانا، عجم اگر تو را در نبرد بنگرند، گویند این ریشـه عرب است اگر آن را بریدید آسوده می‌گردید، و همین فکر سبب فشار و تهاجمات پیاپی آنان می‌شود و طمـع ایشـان در تو بیشتر گردد.

کتاب شریف نهج البلاغه مملـو اسـت از ویژگـی هـا و علائمی که باید یک فرد انقلابـی داشـته باشـد (کـه چنـد مورد بیان شد) و در مقابل اموری که که یک فـرد انقلابـی باید از آنها پرهیز کند، بیان شده است که البته مجال بیان آنها در این نوشتار نبوده و به همین مقدار اکتفا می شود.

بحث و نتیجه گیری

بنظر می رسد با توجه به تبیین درست شـاخص هـای شخصیت طراز انقلاب، و بررسی ابعاد مختلف آن، می‌تـوان میزان نفوذ ناپزیری و آسیب پذیری جامعـه انقلابـی را در حد قابل توجهی ارتقا دادتا در پناه آن نفـوذ دشـمنان بـه عرصه فرهنگ و دین و خطر تغییـر باورهـا، کـاهش یابـد، شـاخص‌هـایی کـه هرکـدام از اهمیـت ویـژه‌ای برخـوردار

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

می‌باشند هر چند می توان این شاخص ها را ذو مراتب دانست و در اولویت بندی قرار داد همچنانی که در این مقاله سه شاخص به عنوان شاخص های اصلی مورد توجه قرار گرفت که عبارت بودند از سه شاخص «تدین» «خواص» و «انقلابی‌گری» و شاخص های بعدی از جمله ولایت مداری، بصیرت، دشمن شناسی، عملگرایی، اهل وحدت، پرهیز از کار جناحی و ... ذیل شاخص سوم، با عنوان نشانه ها و علائم شخص انقلابی از منظر نهج البلاغه، مورد تبیین و بررسی قرار داده شدند.

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

References

1. Shahidi Jafar. Translation of Nahj-ol-Balagh-Publisher: Science and Culture Publishing Company - Printable version: Fourteen - Place of Tehran-1999. (In Persian)
2. Khamenei's words of the year 1375 Shamsi. (In Persian)
3. Mohamed Ben Saad -al-tabkat al-kobra - Publisher: Dar Beirut - Beirut-Sal Place 1405 hijri
4. Tabri Mohammed ben Jarir - History of Tabari - Al-Kabra Amiri Press -Place of Egypt- 1328 hijri.(In Arabic)
5. Abu al-Qasim Ali ibn al-Hasan bin Hebat allah al-Shafai (Ibn Asakir) - History of the Medina of Damascus-Daral-Fakr Publications: Beirut Publishing Place: 1415 hijri. (In Arabic)
6. Mofid Mohammad ibn Muhammad - Al-Irahad fe marefat Hajj Allah Alal-'Abad - Researcher / Moderator: The Al-Alibat Society Against Islam - Volume Number: 2 - Publisher: Sheikh Mofid Congress - Place of publication: Qom - Publishing year: 1413 hijri. (In Arabic)
7. Ibn Abi al-Hadid - Explanation Nahj-ol-Balaghto Ibn Abi al-Hadid - Census of the skin: 20 -Publisher: The Library of Ayatollah al-Marashi - Place of 1ap: Qum. Year of publication:1387 Shamsi. (In Arabic)
8. Masoudi Ali Ibn al-Hussein -morawej al-zahab and maaden al-jwhar - Publications: Dahl-e-Jarah Institute - Printing location: Qom - Publishing year 1409. (In Arabic)
9. Ibn Manzoor Muhammad Ibn Makram - leSan'a Al Arab - Publisher: Dar Sader - Third edition - Place of Beirut - 1414 hijri. (In Arabic)
10. Muin, Mohammad, Farhang Farsi - Publisher: Farhang-e-Ashen - Place of publication: Tehran - Date of publication in 1387 Shamsi. (In Arabic)
11. Sayesare welayt of Leadership Claims. (In Persian)

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]

Explaining indicators of the personality of the Islamic Revolution in order to strengthen the impenetrability (from the perspective of Nahjul Balagheh)

Moradian M [*1]
1. Head of supreme leader delegation, Lorestan University of Medical Sciences, leadership office.
Mehdi_moradian58@yahoo.com

Received: *27 May 2017* **Accepted:** *6 Aug 2017*

Abstract

Background: All revolutions occurred for ages have undergone two hard phases which has special importance. One is the occurrence of the revolution and the other is the constancy and continuity of the revolution, so as to achieve its goals. Sustaining and maintaining revolution is more arduous and difficult task between the two mentioned principals.The Islamic Republic revolution of Iran is not an exception and like the other revolutions has to use all its capacity for continuing, maintaining, and achieving its ideals.

Materials and Methods: Therefore, this study aimed to state the important indicators of people of the revolution in line with the principal of impenetrability and to introduce people of the revolutionby specifying these indicators with respect to the driving forces of the revolution. People of the revolution ought to collect both piety and impressing indicators as community properties. Further,they have to collect revolutionary morale and intuition indicators, and they need to avoid factors and bases of existing from the circle of revolutionary people.

Results: So, we try to identify and introduce some kind of opportunity and threat present in the Islamic society by introducing the personality of the revolutionary people. These threats sometimes may appear among these seemingly revolutionary people.

Conclusion: Since Imam Ali's government has invaluable lessons similar to our revolution, we are going to specify signs and symptoms which a revolutionary person must have from Imam Ali's perspective in Nahjulbalagheh, because some people may be both pious and from community properties but they may not be revolutionary people.

Keywords: Indicator, Personality, Style, Revolutionary, Influence, Nahjul Balagheh, Properties, Insight.

Citation: Moradian M. Explaining indicators of the personality of the Islamic Revolution in order to strengthen the impenetrability (from the perspective of Nahjul Balagheh).Yafte. 2017; 19(3):63-73.

[Downloaded from yafte.lums.ac.ir on 2026-11-26]